



درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله علیه «جلسه ۴۳»

سال تحصیل ۹۸ - ۹۹

بیان کردیم خلاءهایی که در نظام دموکراسی وجود دارد، در سیستم اسلامی وجود ندارد و گفتیم در نظام سیاسی اسلام جهانبینی به صورت کامل و صریح بیان شده است. نقد دوم در دموکراسی خلاء مشروعیت بود، و بیان کردیم مبنایی برای مشروعیت آن چیزی که مردم انتخاب می کنند وجود ندارد و مردم فقط قدرت را می توانند به حاکمان بدهند؛ اما مشروعیت را خود نیز ندارند تا اینکه بخواهند به دیگران بدهند. نقد سوم تعدادی از خلاءهای منطقی بود:

خلاء منطقی اول: مردمی که گروهی را برای حاکمیت انتخاب می کنند، حق حاکمیت را خودشان دارند یا ندارند؟ روشن است که هیچ یک از افراد جامعه حق امر و نهی و حاکمیت ندارند و اگر شخصی بخواهد این حق را داشته باشد می شود همان دیکتاتور و استبداد و همه دیکتاتورها می گویند ما حق حاکمیت داریم، در حالی که دموکراسی می خواهد با دیکتاتوری و استبداد مبارزه کند. و اگر مردم این حق را ندارند، چگونه این حق را به نمایندگان می دهند؟ صفر به علاوه صفر به علاوه صفر نتیجه اش صفر است و هر تعدادی هم که باشند وقتی حق حاکمیت نداشته باشند، روی هم رفتن آرای آنان نمی تواند حق حاکمیت ببخشد.

بله؛ از اجتماع اراده ها، قدرت پیدا می شود و هرچه این اراده ها بیشتر شوند، قدرت بیشتر می شود و این را قبول داریم و اسلام هم معتقد است این مردم اند که به حاکمان قدرت می دهند؛ لکن این قدرت، غیر از مشروعیت است. دیکتاتورها هم قدرتش را از مردم می گیرند و از راه ستم و زور و تطمیع این قدرت را تصاحب می کنند؛ اما تفاوتی که با حکومت و حاکمان اسلامی وجود دارد این است که اسلام به حاکمان اجازه نداده که با اعمال زور و یا

دروغ بخواهند این قدرت را جمع کنند بلکه از راه تبلیغ و تبیین و به وسیله بیّنات: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ﴾^۱، قدرت مردم را جمع می کنند. و معنای آیه کریمه: ﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾^۲ هم همین است که رسول برای تبلیغ حاکمیت خود آمده است نه اینکه کار رسول حاکمیت نیست و فقط تبلیغ دین می کند.

خلاء منطقی دوم این بود که معنای حاکمیت برتری اراده حاکمیت بر اراده مردم است، زیرا حاکمیت باید دستور و فرمان بدهد و مردم باید اطاعت کنند و اگر اراده فرمانروا برتر از اراده مردم نباشد و مردم به فرمان او عمل نکنند، حاکمیتی شکل نمی گیرد.

در نظام اسلامی اراده خدای متعال چون خالق ماست و ما با اراده او به وجود آمده ایم: ﴿أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^۳ اساس شکل گیری جهان از تبعیت اراده او و تحت اراده اوست؛ لذا اراده اوست که از همه اراده ها برتر است و حق امر و نهی دارد. و حتی رسول و امام هم فی ذاته و از خود چنین اراده برتری ندارند؛ اما خدا که به مردم بگوید از آنها اطاعت کنید، اطاعت او می شود اطاعت از خدا: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾^۴ لذا اراده رسول به دلیل اراده الهی برتر از اراده دیگران می شود. و هنگامی که رسول خدا می فرماید: «من اطاع امیری فقد اطاع الله» آنوقت اراده آن امیر منصوب از رسول اکرم، اراده برتر می شود.

و معنای: ﴿الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ﴾^۵ همین برتری اراده است و اصلاً معنای حاکمیت همین وجود یک برتری اراده برای فرمانرواست و مخصوص نبی اکرم و اسلام نیست و در همه حکومت ها چنین است که فرمانروا دارای اراده برتر بر انفس و اموال است و ترامپ

۱. سوره حدید: ۲۵.

۲. سوره عنکبوت: ۱۸.

۳. سوره نحل: ۴۰.

۴. سوره نساء: ۸۰.

۵. سوره احزاب: ۶.

هم همین اختیار بر انفس و اموال بر مردم آمریکا را داراست که تصمیم برای اموال عمومی می گیرد و یا تصمیم جنگ می گیرد و تا این نباشد حاکمیت شکل نمی گیرد.

پایان